

بسم الله الرحمن الرحيم

۹۹/۰۳/۲۷

موضوع: دو اقدام ریشه ای امام صادق (سلام الله علیه) برای نشر معارف اهل بیت!

(شب شهادت امام صادق، حرم حضرت معصومه)

فهرست موضوعات این سخنرانی:

وضعیت وخیم اعتقادی، در زمان امام صادق (سلام الله علیه)

تفاوت اساسی «بنی امیه» و «بنی عباس»!

جوانان وهابی و اهل سنت، تشنه تر از جوانان شیعه!

جهان امروز، تشنه شنیدن معارف ناب تشیع!

دو اقدام ریشه ای امام صادق (سلام الله علیه) برای نشر معارف اهل بیت!

الف) تربیت نیروی پاسخگو به شبهات اعتقادی

یکی از زیباترین و شیرین ترین مناظرات اعتقادی تاریخ!

تنها راوی که اجازه اجتهاد از دست امام صادق گرفت!

ب) ورود علمای بزرگ اهل سنت به مکتب درسی اهل بیت

رسالت امروز شاگردان مکتب امام صادق (سلام الله علیه)

تقديم به پیشگاه مقدس و باعظمت حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) صلواتی عنایت فرماید.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می گوئیم و شهادت مظلومانه و جانسوز حضرت امام صادق (علیه السلام) را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به مکتب اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان و بزرگواران تعزیت عرض می کنیم.

خدا را به آبروی امام صادق (علیه السلام) سوگند می دهیم هرچه سریع تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم بیوشاند با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

امشب با توجه به شهادت امام صادق (سلام الله علیه) دقایقی را در محضرتان خواهیم بود هر چند سخن گفتن پیرامون این بزرگوار، در واقع خیلی سخت است؛ آن هم با وقت محدودی که آقایان با توجه به وضعیت موجود بهداشتی در اختیار ما قرار دادند.

دوستان عزیز توجه دارند که عمده اساس مکتبمان به این بزرگوار برمی گردد. در دوران این بزرگوار بود که فرهنگ شیعه شکوفا شد و شرق و غرب عالم را علوم مکتب اهل بیت فرا گرفت.

بنده به چند نکته اساسی و ریشه ای که در عصر امام صادق توسط این بزرگوار انجام گرفت اشاره می کنم، شاید ان شاء الله ران ملخی باشد به پیشگاه مقدس سلیمان عالم هستی، حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء).

همچنین امیدواریم صحبت های ما هدیه ناچیزی به پیشگاه ولی نعمتمان حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) باشد.

وضعیت وخیم اعتقادی، در زمان امام صادق (سلام الله علیه)

زمان امام صادق (علیه السلام) زمان ویژه ای بود، به طوری که این زمان ویژه، نه قبل از امام صادق و نه بعد از امام صادق برای شیعه پیش نیامد.

بعد از قضایای خانه نشینی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) عده ای با سنت پیغمبر اکرم بازی کردند و شعار: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» سر دادند. آنها دستور دادند احادیث پیغمبر اکرم را بسوزانند، به طوری که نقل حدیث پیغمبر اکرم به عنوان یک جرم نابخشودنی بود.

در کتاب صحاح اهل سنت از جمله کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است که ابوبکر به دخترش عایشه دستور داد تمام روایاتی که از پیغمبر اکرم نقل شده جمع کنید که ما می خواهیم آنها را آتش بزنیم. آنها احادیثی که از پیغمبر اکرم در اختیار داشتند را آتش زدند.

بنده می خواهم عزیزان مقدمه مرا خوب تحویل بگیرند، زیرا تمام بحث های امشب من بستگی به روشن شدن این مقدمه دارد.

آقای «ذهبی» متوفای ۷۴۸ هجری و یکی از استوانه های علمی اهل سنت است. نقل شده است که اهل سنت عیال کنار سفره چهار نفر هستند؛ «ذهبی»، «ابن حجر عسقلانی»، «مزی» و «زین الدین عراقی».

جایگاه و موقعیت «ذهبی» در میان اهل سنت همانند جایگاه «شیخ طوسی» و «علامه حلی» و «سید مرتضی» نزد ما شیعیان است.

«ذهبی» کتابی تحت عنوان «تذکرة الحفاظ» دارد که در جلد اول صفحه ۵ می نویسد خلیفه اول دستور داد تمام احادیث را جمع کنند. او تمام احادیث را آتش زد و به خاکستر مبدل کرد:

«قالت عائشة جمع أبي الحديث عن رسول الله وكانت خمسمائة حديث فبات ليلته يتقلب كثيرا قالت فغمني فقلت أنتقلب لشكوى أو لشيء بلغك فلما أصبح قال أي بنية هلمي الأحاديث التي عندك فجئت بها فدعا بنا فحرقها»

تذکرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت،

الطبعة: الأولى؛ ج ۱، ص ۵

زمانی که دوران خلیفه دوم رسید، همین کار را ادامه داد. همین آقای «ذهبی» در کتاب دیگر خود «سیر اعلام النبلاء» می نویسد: خلیفه دوم دستور داد هرکسی نزد خود حدیثی از پیغمبر اکرم دارد، نزد من بیاورد.

مردم به تصور اینکه او می خواهد دایرة المعارف گردآوری کند احادیث را نزد او بردند. او سپس دستور داد تمام روایاتی که از پیغمبر اکرم نقل شده را آتش زدند و خاکستر کردند.

«إن الأحاديث كثرت على عهد عمر فنأشد الناس أن يأتوه بها فلما أتوه بها أمر بتحريقها»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة

- بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي؛ ج ۵، ص ۵۹

مصادری که بنده عرض می کنم کتاب «بحار الانوار» و «کافی» و «تهذیب الأحکام» نیست، بلکه از کتاب های معتبر دست اول اهل سنت است.

کار به جایی رسید که نماز مردم غیر از نماز زمان پیغمبر اکرم بود. روزه مردم عوض شد، زکات عوض شد و به طور کلی تمام سنت پیغمبر اکرم به هم ریخته است؛ به طوری که وقتی امیرالمؤمنین بعد از جنگ جمل، نماز جماعت خواند، مردم گفتند: نماز علی یادآور نماز رسول الله است!

«لقد دَكَّرْنَا علي بن أبي طَالِبٍ صَلَاةً كُنَّا نُصَلِّيهَا مع رسول الله»

مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۴، ص ۳۹۲

یعنی تا این اندازه نماز مردم با نماز پیغمبر اکرم تفاوت پیدا کرده است.

«صحيح بخاری» در حدیث ۶۲۲ روایتی از «ابو درداء» نقل می کند که او گریه می کرد و می گفت: تمامی سنت پیغمبر اکرم را نابود کردند و تنها دسته جمعی نماز خواندن مردم باقی مانده است.

« أُمُّ الدَّرْدَاءِ تَقُولُ دَخَلَ عَلَيَّ أَبُو الدَّرْدَاءِ وَهُوَ مُعْضَبٌ فَقُلْتُ مَا أَعْضَبَكَ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ

شَيْئاً إِلَّا أَنَّهُمْ يُصَلُّونَ جَمِيعاً»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن

كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۱، ص ۲۳۲، ح

۶۲۲

حتى «حسن بصری» که یکی از بنیانگذاران دودمان بنی امیه است، می گوید: اگر صحابه زنده شوند و در میان شما بیایند، غیر از اینکه همه شما رو به قبله می ایستید هیچ آثاری از سنت پیغمبر اکرم را در میان شما نمی بینند!!

عزیزان و طلاب و فضلاى ما به اين قضایا خوب دقت کنند. يکى از مدخل هاى که ما برای نشر معارف اهلبیت باید در آن وارد شويم و قدر امام باقر و امام صادق را خوب بشناسيم و معرفی کنیم، همین مقدمه کوتاهی بود که عرض کردم.

اگر بنده بخواهم در این زمینه صحبت کنم، حداقل به اندازه دو ساعت وقت لازم است تا بیان کنیم که بگويم اينها با سنت پیغمبر اکرم چکار کردند.

نماز پیغمبر اکرم با «بسم الله» بود که آن را حذف کردند. رسول الله دست به سینه نمی گذاشتند، اما بنی امیه دست بر سینه گذاشتند. پیغمبر اکرم «آمین» نمی گفت. حضرت ابتدا تشهد و سپس سلام می گفت، اما آنها ابتدا سلام سپس تشهد را رواج کردند.

رسول گرامی اسلام در وضو سرش را مسح می کشید، اما آنها همه سرشان را می شویند. پیغمبر اکرم پاهاى مبارکشان را نمی شست، اما آنها پاهایشان را می شویند. به عبارتی هرجایی که دست بگذارید، می بینید که بنی امیه کارهایی انجام دادند. این مطالب در معتبرترین کتاب های اهل سنت آمده است، نه در کتب دست دوم و دست سوم!

حال که به اینجا رسیديم، بنده به چند نکته ای که امام صادق (علیه السلام) در این مدت کوتاه انجام دادند اشاره می کنم.

تفاوت اساسی «بنی امیه» و «بنی عباس»!

دوران امامت امام صادق حدود سی و چهار سال بود که از این میان هجده سال با بنی امیه و شانزده سال با بنی عباس بودند.

زمانی که درگیری میان بنی امیه و بنی عباس انجام شد، زمان «هشام بن عبدالملک» بود. او در سال ۱۰۵ هجری به حکومت رسید و سال ۱۲۵ هجری به درک واصل شد.

سال ۱۲۹ هجری میان بنی امیه و بنی عباس جنگ مسلحانه شروع شد تا اینکه سال ۱۳۲ هجری بساط بنی امیه برای همیشه برچیده شد و بنی عباس روی کار آمد. شاعر می گوید:

« یا لیت جور بنی مروان عاد لنا * ولیت عدل بنی العباس فی الثار »

ای کاش ظلم های بنی امیه می ماند. و عدل بنی عباس را آتش می سوزاند.

المحاسن والمساوی، اسم المؤلف: إبراهيم بن محمد البيهقي، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان

- ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عدنان علی؛ ج ۱، ص ۱۸۶

بنی امیه از بنی عباس بدتر و بنی عباس از بنی امیه بدتر بودند. شاید اگر تاریخ را خوب نگاه کنیم، جنایاتی که بنی عباس در حق شیعه مرتکب شده است، از جنایات بنی امیه بیشتر باشد.

ماجرای کربلا و شهادت حضرت فاطمه زهرا را کنار می گذاریم و آن جداست، اما به طور کلی جنایاتی که بنی عباس کردند شاید چندین برابر جنایاتی است که بنی امیه مرتکب شدند.

بنی امیه با لباس دشمن به جنگ شیعه آمدند و مردم آنها را می شناختند، اما بنی عباس با شعار «یا لثارات الحسین» پیش آمدند، لباس شیعه به تن کردند و به جنگ با شیعه آمدند.

حال ما کاری با اینکه بنی عباس در طول تاریخ چه کارهایی انجام دادند، نداریم. شاید عمده اختلافاتی که میان امت اسلامی هست، بخش اعظم آن مربوط به دوران بنی عباس است.

امام صادق (علیه السلام) از درگیری که دو حکومت با هم داشتند و از سال ۱۰۵ هجری شروع شد و تا سال ۱۳۲ هجری با سرنگونی بنی امیه پایان یافت، فرصت را غنیمت شمردند.

در این سال ها هفت یا هشت سال امام باقر (علیه السلام) در قید حیات بودند و پس از آن دانشگاه بزرگ اسلامی به دست امام صادق افتاد.

بنده تقاضا دارم عزیزان عرایضی که عرض می کنم را به عنوان یک نکته آغازی برای نوشتن مقاله یا کتاب یا معرفی مذهب شیعه به کار ببرند و منتشر کنند.

جوانان وهابی و اهل سنت، تشنه تر از جوانان شیعه!

بنده تجربه زیاد دارم و بارها هم عرض کردم که بیش از دویست جلسه مناظره در خاک عربستان سعودی داشتم. مجموع این مناظرات در کتاب سه جلدی «قصة الحوار الهادی» به چاپ رسیده است.

قسم به بی بی حضرت فاطمه معصومه، جوانان وهابی و جوانان اهل سنت، بیشتر از جوانان شیعه برای شنیدن حقایق تاریخی علاقه مند هستند.

گاهی اوقات جناب آقای «نواب» (حفظه الله تعالی) که در حال حاضر نماینده مقام معظم رهبری در بعثه هستند، به من می گفتند: شما شب ها به خوابگاه دانشجویان وهابی می روید. امکان دارد وهابی ها شما را بکشند.

من گفتم: اولاً کشته شدن در راه اهل بیت عشق است. ثانیاً والله جوانان وهابی برای شنیدن مسائل و حقایق تاریخی از جوانان ما بیشتر مشتاقند.

بنده در حوزه علمیه قم بیست سال رجال تدریس کردم. بنده یک مرتبه گفتم که حضرت امیرالمؤمنین فرمودند: من حاضر بیست تن از شماها را بدهم و یک نفر از یاران معاویه را بگیرم.

من گفتم: دوستانی که سر درس من هستید اگر شما همگی فرزند من بودید، حاضر بودم پانصد تن از شماها را بدهم و یک نفر از جوانان وهابی را بگیرم. زیرا آنها در کار خود مجد هستند.

گاهی اوقات بنده در پشت بام مسجد الحرام با جوانان وهابی چندین ساعت بحث می کردیم، اما آنها اصلا از بحث کردن احساس خستگی نمی کردند.

امروز ما بالای منبر می آییم و بعد از گذشت بیست دقیقه اکثر آقایان به ساعت نگاه می کنند و اعتراض می کنند که خسته شدیم، مباحث را تمام کنید. واقعا تفاوت خیلی زیاد است.

جهان امروز، تشنه شنیدن معارف ناب تشیع!

بنابراین این مطالب را مطرح و در فضای مجازی منتشر کنید. شناختن امام صادق به منزله شناختن شیعه است.

بنده زمانی که در واشنگتن بودم، جناب آقای «بحرینی» که از طرف مقام معظم رهبری در مرکز اسلامی فعالیت می کند، می گفت: "روزی نیست که چندین نامه از ایالت های مختلف آمریکا به دست ما نرسد. آنها از ما می خواهند کتاب، جزوه یا کاست به آنها برای معرفی شیعه بفرستیم.

ما برای بعضی از ایالت ها تعدادی جزوه می فرستیم و بعد از آن مشاهده می کنیم دسته دسته جوانان، مذهب شیعه را انتخاب می کنند. آنها برای ما نامه می نویسند و از ما تشکر می کنند."

امروز دنیا از روحانیت مسیحی و یهودی خسته شده است. سخنان ضد عقل، ضد فطرت و بی اساس به قدری از روحانیون مسیحی به گوش جوانان رسیده است که دیگر جوانان حاضر نیستند به کلیساها بروند و پای صحبت آنها بنشینند.

متأسفانه امروز میدان دار، وهابی ها شده اند. زمانی که در لس آنجلس بودم برای شیعیان دو یا سه مرکز اسلامی بود، اما وهابی شصت و چهار مرکز اسلامی داشتند. آنها پول و انگیزه دارند و به همین خاطر به تبلیغ می پردازند. این قضیه برای ما مایه تأسف است. بنده از این قضایا گذر می کنم.

دو اقدام ریشه ای امام صادق (سلام الله علیه) برای نشر معارف اهل بیت!

اما آنچه برای ما مسلم است، این است که امام صادق چند کار اساسی انجام دادند که امروز باید روی آن کار میدانی خوبی صورت گیرد.

الف) تربیت نیروی پاسخگو به شبهات اعتقادی

اقدام اول حضرت این بود که نیرو تربیت کرد. اقدام دوم آن بزرگوار این بود که از کارهای سیاسی دوری کرد. «ابو مسلم خراسانی» به حضرت نامه نوشت مبنی بر اینکه ما برای انتقام خون جدت امام حسین قیام کردیم، بیایید و با ما همکاری کنید. حضرت نامه او را تکه تکه کرد، داخل چراغ انداخت و سوزاند.

فرستاده «ابو مسلم خراسانی» از حضرت درخواست کرد که به نامه او پاسخ دهد، اما حضرت فرمودند که جواب نامه او همین است که من آن را در آتش سوزاندم!

حضرت خوب می دانستند که چه بنی امیه باشد و چه بنی عباس باشد هیچ فرقی با هم ندارند. لذا امام صادق ابتدا نیرو تربیت کردند.

بنده چند نمونه برای شما بیان می کنم تا ببینید که امام صادق چه کرد و شیعیان آن زمان چه کردند. دوستان و رفقای روحانی، بنده شما را به روح امام صادق سوگند می دهم به آدرس هایی که برایتان می گویم خوب دقت کنید.

مشاهده کنید امام صادق چه کردند و صحابه چکار کردند. در رابطه با «محمد بن مسلم» در کتاب «رجال کشی» جلد اول صفحه ۳۸۶ وارد شده است که می نویسد من از امام باقر سی هزار روایت و از امام صادق شانزده هزار روایت حفظ کردم.

شما را به خدا سوگند می دهم، وجدان خود را قاضی قرار دهید. من طلبه در طول عمرم چند روایت حفظ کردم؟! اگر در جایی کتاب در اختیار نداشته باشم، می توانم چند منبر بروم و برای مردم روایت بگویم؟!!

ما نباید به دنبال کارهای سیاسی در شرق و غرب عالم بپردازیم، زیرا مستمعین ما از ما آگاه تر هستند. آنها به قدری مطالب را از تلویزیون و دیگر رسانه های جمعی شنیده اند که از ما تسلط بیشتری دارند.

یکی از زیباترین و شیرین ترین مناظرات اعتقادی تاریخ!

«هشام بن حکم» کسی بود که در مناظره سرآمد دوران بود، به طوری که امام صادق به وجود او افتخار می کردند. وقتی «هارون الرشید» شنید «هشام» به بغداد آمده و با علمای اهل سنت جلسه علمی گذاشته است، جلسه ای ترتیب داد.

«مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین» مفصل این قضیه را نقل می کند. بنده شاید نود درصد عمرم را در زمینه بحث های ولایت گذراندم.

زیباترین و شیرین ترین مناظره ای که من بعد از مناظرات امیرالمؤمنین دیدم، مناظره «هشام بن حکم» با اباضی ها و خوارج بود.

در مجلسی که همگی علمای اهل سنت حضور داشتند و «هارون الرشید» پشت پرده به مناظره گوش می داد. وقتی مناظره تمام شد، «هارون الرشید» به وزیر خود گفت:

«فَوَ اللَّهُ لَلِلسَانِ هَذَا أَبْلَغُ فِي قُلُوبِ النَّاسِ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ سَيْفٍ»

به خدا سوگند زبان او در قلب مردم از صد هزار شمشیر برنده تر است.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۳۶۸، ح ۵

ببینید امام صادق چه نیروهایی تربیت کرده است. «هارون الرشید» می گوید: به خدا سوگند خطر این شخص برای حکومت ما از صد هزار شمشیر بیشتر است.

وقتی وزیر متوجه شد «هارون الرشید» می خواهد «هشام بن حکم» را نابود کند، به او اشاره کرد. «هشام» به بهانه اینکه می خواهد تجدید وضو کند خارج شد، از بغداد فرار کرد و به کوفه آمد که داستان مفصلی دارد.

بنده شاید این مناظره را پنجاه بار مطالعه کردم، ولی هرگاه مطالعه می کنم بیشتر لذت می برم. «هشام» در این مناظره نه یک آیه خوانده است، نه یک روایت خوانده و نه یک حدیث خوانده است.

او از نظر عقلی خلافت امیرالمؤمنین و حقانیت اهل بیت را به قدری روشن کرده است که وقتی انسان این مناظره را می خواند حقانیت اهل بیت همانند روز برایش روشن می شود.

«هشام» به قدری زیبا حرف زده است که حتی یک نفر از بزرگان اهل سنت جرئت اینکه یک کلمه به او ایراد بگیرند، نداشت. این شخص در خدمت امام صادق سی هزار روایت را حفظ کرده است، نه اینکه تنها نوشته باشد! آن کار امام صادق و این هم همت شیعیان حضرت است. دوستان این مذهب به این سادگی به دست ما نرسیده است.

بنده و جنابعالی کتاب «وسائل الشیعه» را باز می کنیم و یک مرتبه سی و شش هزار روایت در این کتاب می بینیم. با این حساب هم، حوصله مطالعه کردن نداریم و بعد از نیم ساعت مطالعه آن را می بندیم. این احادیث و این مذهب از لابلای خون و شکنجه بیرون آمده و به دست ما رسیده است و لذا ما هم به شیعه بودن خود افتخار می کنیم.

تنها راوی که اجازه اجتهاد از دست امام صادق گرفت!

همچنین «ابان بن تغلب» را باید نام ببریم. شاید تنها راوی است که اجازه اجتهاد از دست امام صادق گرفته است. حضرت به او می فرماید:

« اجلس في مسجد المدينة و أفب الناس فإني أحب أن يرى في شيعتي مثلك »

رجال النجاشي، نجاشي، احمد بن علي، باب أبان بن تغلب بن رباح، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه

لجامعه المدرسين بقم المشرفه، قم، ص: ۱۰

مشاهده کنید شخصی که از امام معصوم و حجة الله، اجازه اجتهاد گرفته باشد، چه جایگاهی دارد. همچنین در کتاب «رجال نجاشی» صفحه ۱۲ وارد شده است که «إبان» می گوید: من از امام صادق سی هزار روایت حفظ کرده ام.

امام صادق می فرماید:

«أن أبان بن تغلب روی عني ثلاثين ألف حديث، فاروها عنه (أبان بن تغلب فإنه قد سمع مني حديثا كثيرا

فما روی لك فاروه عني)»

«أبان بن تغلب» سی هزار روایت از من نقل کرده است. او هر روایتی از من نقل می کند را از او دریافت کنید و قدر او را بدانید.

رجال النجاشي، نجاشي، احمد بن علي، باب أبان بن تغلب بن رباح، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه

لجامعه المدرسين بقم المشرفه، قم، ص: ۱۲ و ۱۳

این کاری است که امام صادق (علیه السلام) کرده است. در مقدمه کتاب «صحيح مسلم» آمده است که «جابر بن یزید جعفی» می گوید:

«إِنَّ عِنْدِي لَخَمْسِينَ أَلْفَ حَدِيثٍ مَا حَدَّثْتُ مِنْهَا بِشَيْءٍ»

من پنجاه هزار روایت از امام باقر و امام صادق شنیدم که هیچکسی آنها را نشنیده است.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج ۱، ص ۲۰

به بیان بهتر «جابر بن یزید جعفی» پنجاه هزار روایت از اسرار آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را شنیده است.

پس بنابراین یکی از کارهای زیبایی که امام صادق (علیه السلام) انجام دادند، تربیت نیرو بود.

ب) ورود علمای بزرگ اهل سنت به مکتب درسی اهل بیت

یکی دیگر از کارهای مهمی که امام صادق انجام دادند و خیلی مهم است، این است که علمای اهل سنت را به حوزه درسی خود دعوت کرده اند.

علمای اهل سنت اعم از مالکی ها و شافعی ها و حنفی ها، با واسطه، عمدتاً پای درس امام صادق نشستند. «ابوحنیفه» متوفای ۱۵۰ هجری می گوید:

«لولا السنن لهلك النعمان»

اگر دو سال خدمت امام صادق درس نخوانده بودم، بیچاره شده بودم.

مختصر التحفة الاثني عشرية؛ دهلوی، شاه عبد العزیز (م ۱۲۲۷)، تهذیب و اختصار: محمود شکری آلوسی،

تحقیق: محبّ الدین خطیب، نشر: المطبعة السلفية، قاهره، ۱۳۷۳ ه.ق؛ ص ۸

«مالک» و «شافعی» هم همین ادعا را مطرح می کنند. بنده در این زمینه حرف برای گفتن زیاد دارم.

«ابن تیمیه» هم که تمام وجودش مملو از عداوت با امیرالمؤمنین است، می گوید: امام صادق شخصیتی است که تاریخ، بعد از او مثلش را ندیده است:

«فَإِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَجِئْ بَعْدَهُ مِثْلُهُ. وَقَدْ أَخَذَ الْعِلْمَ عَنْهُ هَؤُلَاءِ الْأَيْمَّةُ، كَمَالِكٍ، وَابْنِ عُيَيْنَةَ، وَشُعْبَةَ،

وَالثَّوْرِيَّ، وَابْنَ جُرَيْجٍ، وَيَحْيَى بْنَ سَعِيدٍ، وَأُمَّثَالِهِمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الْمَشَاهِيرِ الْأَعْيَانِ»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم؛ ج ٤، ص ١٢٦

می گوید: بزرگان و شخصیت های علمی ما همانند «سفیان ثوری»، «سفیان بن عیینة»، «شعبة»، «مالک»، «أنس»، «ابوحنیفه» و دیگران همگی از شاگردان امام صادق بودند.

این یکی از شاهکارهای امام صادق است که توانست فرهنگ شیعه را به گوش علمای طراز اول اهل سنت برساند و آثار زیادی هم داشت. بنده کاری ندارم که بنی عباس چه کارهایی کردند، اما امام صادق (علیه السلام) کار خود را انجام داد.

رسالت امروز شاگردان مکتب امام صادق (سلام الله علیه)

امام صادق به «سلمة بن كهیل» و «حكيم بن عتيبة» که از علمای طراز اول اهل سنت بودند، جمله ای تاریخی فرمودند که در تاریخ ثبت شده است. حضرت فرمودند:

«شَرْقًا أَوْ غَرْبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»

اگر شرق و غرب عالم را زیر پا بگذارید، علم اسلامی را غیر از سینه ما هیچ جایی پیدا نمی کنید.

رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد بن

الحسن / مصطفوی، حسن، ص ٢٠٩، ح ٣٦٩

کار به این می گویند! بنده و جنابعالی چکار کردیم؟! امشب که شب شهادت امام صادق است، با امام صادق چه عهد و پیمانی می خواهیم ببندیم؟!

به تعبیر مقام معظم رهبری امروز فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است. دشمنان کار می کنند و در برابر چندین سایت و وبلاگ شیعه، چهارصد سایت وهابی یا اهل سنت تندرو کار می کنند.

بنده روزی در مدرسه فیضیه برای طلبه ها سخنرانی داشتم. یکی از طلاب به من گفت: خیلی زیاد طلبه ها را به فضای مجازی نکشانید. من گفتم: مقام معظم رهبری فرمودند: اگر من رهبر نبودم، خود مسئول امور فضای مجازی کشور می شدم.

این بنده خدا، نه تنها خودش در فضای مجازی نیست، اگر ما هم چندین مدرک از فضای مجازی نقل می کنیم، ایراد می گیرد که چرا فلانی طلبه ها را به فضای مجازی می کشاند.

یکی از کارهای بزرگی که امام صادق کردند و در تاریخ ماندگار شد، تربیت نیروهای توانمند برای مناظره با بزرگان اهل سنت بود.

اگر شما صد جلسه سخنرانی کنید، شخص وهابی و اهل سنت هم بیست سخنرانی می کند. جوان معطل می ماند، زیرا نمی داند چه کسی راست می گوید.

اگر جوان پای صحبت شما می آید شما را حق می داند و هرگاه پای صحبت عالم وهابی می رود، او را حق می داند. ولی اگر جلسه مناظره تشکیل شود و دو نفر رو در رو بحث و مناظره کنند، جوان بیدار می شود. در جلسه مناظره، شما حرف خود را می زنید و طرف مقابل هم حرف خود را می زند.

شما با هم گفتگو می کنید ولو طرف مقابل چیزی نمی فهمد، اما جوانانی که این مناظره را می بینند همگی بیدار می شوند.

بنده شبی مناظره مفصلی در شهر مکه، منزل «پروفسور غامدی» داشتم. در این جلسه تعدادی از علمای اهل سنت کشور هم در این جلسه حضور داشتند که جناب آقای «دکتر زمانی» از طرف بیت مقام معظم رهبری آنها را آورده بود.

وقتی که داشتیم به بعثه می آمدم، پسر «پروفسور غامدی» که مقطع ارشد دانشگاه أم القری بود، گفت: چرا مناظرات بین علمای شما و علمای ما کم اتفاق می افتد.

بنده علت حرف ایشان را از او پرسیدم. او گفت: "بنده از ابتدای کودکی معتقد بودم که شیعیان، اهل سنت را نجس می دانند ولی وقتی امروز «دکتر ابومهدی» با پدرم مناظره کرد، عقیده بیست و هفت ساله من باطل شد. من فهمیدم اشتباه می کردم که فکر می کردم شیعیان، اهل سنت را نجس می دانند."

در جلسه مناظره طرف مقابل زیر بار نمی رود، اما افرادی که به تماشای مناظره نشستند روشن می شوند.

این که امام صادق نیروهایی را برای مناظره تربیت کردند، دنیایی دارد. اگر من بخواهم در این زمینه برای شما صحبت کنم، یک ماه رمضان، سی جلسه یک ساعت و نیمه وقت لازم داریم!!

امام باقر و امام صادق بعد از ائمه اطهار تنها در این حوزه به قدری کار کردند که افرادی را در این حوزه تنها برای مناظره تربیت کنند. امام صادق در این زمینه غوغا کردند.

حضرت افراد متخصصی تربیت کردند که وقتی مرد شامی می آید و می خواهد با حضرت مناظره کند، امام صادق یکی از شاگردان خود را برای مناظره می فرستد.

«مرحوم کشی» در کتاب «رجال» و «مرحوم مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» این ماجرا را نقل کرده است.

امام صادق از مرد شامی می پرسد: در چه زمینه ای می خواهی مناظره کنی؟ مرد شامی می گوید: من می خواهم در رابطه با علوم عربیه با شما مناظره کنم. حضرت می فرماید: یا حمران! بلند شو و مناظره کن.

کسانی که قهرمان مناظره هستند، در جلسه نشسته اند. حضرت به «حمران» که برادر «زراره» بود، دستور داد با این شخص مناظره کند. صحبت امام صادق به مذاق مرد شامی خوش نمی آید و عرضه می دارد:

«إِنَّمَا أُرِيدُكَ أَنْتَ لَا حُمْرَانَ»

من آمدم با شما مناظره کنم، نه با حمران.

حضرت در جواب می فرماید:

«إِنْ غَلَبْتَ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

اگر بر حمران پیروز شدی، بر من پیروز شده‌ای!

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۷، ص

۴۰۷، ح ۱۱

بنده بارها گفتم که امام صادق چه نیروهایی تربیت کرده است. حضرت می فرماید: اگر «حمران» را شکست دادی، من را شکسته داده‌ای!

مرد شامی از «حمران» شکست می خورد، سپس عرضه می دارد: من می خواهم در رابطه با مسائل قرآنی با شما صحبت کنم. حضرت به «أبان بن تغلب» دستور مناظره می دهند.

وقتی مرد شامی عرضه می دارد می خواهیم در رابطه با مسائل قضا و قدر صحبت کنم، حضرت به «هشام بن سالم» دستور مناظره می دهند. همچنین وقتی مرد شامی می خواهد در رابطه با امامت مناظره کند، حضرت «هشام بن حکم» را فرا می خواند.

امام صادق در هر حوزه افراد متخصص تربیت کردند. چنین نیست که هرکسی در تمام حوزه ها توانایی مناظره داشته باشد.

یکی از شروط مناظره کردن این است که با کسی که مناظره می کنید، باید از نظر علمی هم سطح باشید.

وقتی می خواهید در زمینه فلسفه، کلام، تفسیر یا هر حوزه دیگری مناظره کنید، باید تمام آنچه که حریفان بلد است را بلد باشید و قدری هم مطالب اضافه بلد باشید. فن مناظره بحث دیگری است.

بنده عرایض زیادی داشتم، اما بیش از این مزاحم عزیزان نمی شوم. گرچه این بحث ها، بحث هایی است که عزیزان به آن توجه ویژه ای دارند.

با توجه به قضیه مسائل بهداشتی عرایض را بدون هیچ مؤخره ای پایان می دهم. بنده تنها چند دعا می کنم. ان شاءالله مداح عزیزمان همه ما را به فیض می رسانند.

خدایا تو را به خون دل امام صادق سوگند می دهم فرزند امام صادق حضرت صاحب الزمان را سریعا برسان. خدایا قلب نازنینش را از ما راضی بگردان. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی اش متصل نما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهلبیت بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا به آبروی امام صادق حوائج همه ما را برآورده نما. خدایا به آبروی امام صادق مشکلات همه ما را برطرف ساز. خدایا به آبروی امام صادق دعای ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل و دو یادگارش صلوات غرائی ختم
بفرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته